



آینده قیمت نفت، شرکت‌های بزرگ آمریکایی و بودجه کشورهای نفتی چیست؟

نفت؛ از چاله به چاه



علی آهنگر پژوهشگر حوزه نفت و انرژی

دوشنبه بیستم آوریل ۲۰۲۰ برابر با نخستین روز اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹، یک اتفاق دیگر تاریخی و خارج از حد تصور برای نفت افتاد. وقتی بازار بعد از ظهر دوشنبه نیویورک بازگشایی می‌شد،

همه انتظار قیمت‌های کاهشی را داشتند؛ اما آنچه به وقوع پیوست در اندیشه هیچ تحلیلگری نمی‌گنجید. نفت نیمه‌سنگین غرب تگزاس WTI پس از نوسانات مهیج در طول معاملات، در ۲۰ دقیقه پایانی بازار به منفی ۴۰ دلار و ۳۸ سنت سقوط کرد. یک مرگ زودرس برای تگزاس و نفت شیل. در طول تاریخ ۱۶۴ ساله نفت، اتفاقات تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز برای بشر کم نبوده‌اند؛ از دو جنگ جهانی اول و دوم گرفته تا جنگ‌های منطقه‌ای در کشورهای نفت خیز، جنگ اول و دوم خلیج فارس و نیز واقعه دهشتناک ۱۱ سپتامبر. هیچ یک از این اتفاقات موحش نتوانسته‌اند شوکی عظیم تا به این حد بر پیکر نفت وارد کنند. دوشنبه بیستم آوریل اما نفت با مرگ دست‌وپنجه نرم کرد. تا به آنجا که بسیاری از کنشگران بازار را در اندیشه بدترین پایان عصر نفت فرو برد. بسیاری به‌یاد این جمله معروف زکی یمانی، وزیر نفت پیشین عربستان سعودی افتادند که گفته بود: «عصر سنگ به دلیل کمبود سنگ به پایان نرسیده؛ دوره نفت پایان می‌یابد، پیش از آنکه نفت تمام شود.» اما براستی آیا نفت به پایان خود رسیده است؟ در گزارش پیش رو از دیدگاه فنی برای خواننده محترم به زبان ساده روشن می‌کنیم که اصلا واقعه دیروز چه بوده است؟

چرا دوشنبه سیاه؟

داد که این واقعه دو علت دارد: «علت نخست تعداد فراوان قراردادهای معاملات آتی بود که روز دوشنبه به ۱۰۹ هزار ققره بالغ شده بود که در مقایسه با تعداد قراردادهای در حال انقضای ماه گذشته که فقط ۳۲۰۰ ققره بود، رقم قابل توجهی است و علت دوم تکمیل شدن مهم‌ترین مخازن ذخیره‌سازی موقت آمریکا در شهر کوشینگ بود؛ به طوری که ۷۶ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره‌سازی این انبارها تا ۱۷ آوریل یعنی چهار روز پیش، به ۶۱ میلیون بشکه رسیده بود و ظرف چند روز آینده دیگر هیچ جایی برای ذخیره‌سازی ندارد. حالا سوالی که ممکن است برای خواننده محترم مطرح شود این است که وقتی چنین شرایطی پیش می‌آید چرا دارنده قرارداد معاملات آتی که موعدها فردا منقضی می‌شود سعی دارد به هر نحوی که شده، حتی به قیمت منفی نفتش را بفروشد؟ پاسخ این است که اگر قرارداد کاغذی نفت روی دست معامله گر ماند و به فروش نرود اولاً او دیگر اعتبارش را نزد تولیدکنندگان نفت از دست می‌دهد و دیگر کسی به او نفت نمی‌فروشد و عملاً از بازار رقابتی نفت برای همیشه حذف می‌شود و ثانیاً اینکه اگر نفتی که برای معاملات آتی در انبارهای شهر کوشینگ ذخیره شده به فروش نرود، علاوه بر ضررهای معلومی که برای تولیدکننده دارد، مهم‌ترین ضررش این است که با پر شدن انبارهای ذخیره دیگر تولیدکننده جایی برای ذخیره‌سازی نفت ندارد و در نتیجه دیگر نمی‌تواند نفت تولید کند و مجبور می‌شود جاهای تولید نفت را خاموش کند؛ و اینجاست که مرگ نفت رقم می‌خورد. آنچه تا اینجا گفته شد، تشریح فنی اتفاقات عصر دوشنبه سیاه آوریل به زبانی کاملاً ساده بود تا خواننده محترم درباب که در دقایق چه اتفاقی افتاده است، اما حالا موقع آن است که به ریشه‌یابی اصل مطلب بپردازیم. اینکه اصلاً چرا چنین فاجعه وحشتناکی در بازار نفت به وقوع پیوست؟

در بازار نفت رسم معمول از دیرباز بر آن است که نفت به دو صورت معامله می‌شود. نخستین حالت معاملات نفتی، معاملات کاغذی یا معاملات آتی نامیده می‌شود. رسم رایج در معاملات آتی این است که خریداران با تولیدکنندگان نفت قرارداد خریدی را برای ماه آتی تنظیم می‌کنند. در طول این یک ماه، معامله‌گران بورس با بازار نیویورک از گذشته‌های بسیار دور تاکنون، این نفت خریداری شده روی کاغذ را بارها و بارها دست‌به‌دست خریدوفروش می‌کنند تا موعد سررسید آن فرا برسد. وقتی روز سررسید فرا می‌رسد، معاملات آتی به معاملات فیزیکی یا نقدی که حالت دوم معاملات نفتی است، تبدیل می‌شود و باز رسم رایج بازار این است که معاملات فیزیکی یا نقدی همیشه از ترانزاکشن معاملات آتی است، زیرا موعده سررسید آن فرا رسیده و دیگر زمانی برای بورس بازی ندارد و حتماً باید فروخته شود. کوشینگ، نام شهری در ایالت اوکلاهماست. در این شهر کوچک و کم‌جمعیت انبارهای ذخیره‌سازی نفت معاملات آتی قرار دارد. به این معنی که تولیدکنندگان نفت تگزاس، نفتی را که برای ماه بعد فروخته‌اند به تدریج در انبارهای شهر کوشینگ ذخیره می‌کنند تا برای روز سررسید آماده باشد. در واقع نوعی هاب یا انبارهای موقت ذخیره‌سازی است که حدود ۷۶ میلیون بشکه ظرفیت دارد. حالا نکته این است که روز سه‌شنبه ۲۱ آوریل با دوم اردیبهشت‌ماه روز سررسید معاملات آتی ماه می نفت غرب تگزاس و روز منقضی شدن این قراردادها بود. بنابراین، یک روز قبل از روز سررسید یعنی روز دوشنبه موعده پایانی خرید و فروش آن بود که باید حتماً فروخته می‌شد. خب تا اینجا می‌توانیم، روالی عادی و طبیعی است که طی ده‌ها سال است که انجام می‌شود، اما چه شد که دیروز این واقعه دهشتناک اتفاق افتاد و نفت غرب تگزاس منفی ۴۰ دلار در هر بشکه قیمت خورد؟ بررسی وضعیت بازار توسط تحلیلگران نشان

کرونا و جنگ قیمت چه بر سر نفت آور دند؟

افزوده شد. همزمان قیمت عرضه محصولات با تخفیف‌های عمده همراه شد. به طوری که عربستان سعودی نفت تحویلی در مدینه‌ترانه در بندرهای کشورهای اروپایی را با تخفیفی حدود ۱۳ دلار می‌فروخت. این درحالی بود که هزینه حمل محصول و بیمه نفتکش‌ها را هم می‌پرداخت. خب طبیعی است که نفت با قیمت‌های شدیداً نزولی مواجه می‌شد. اما در اینجا برای آنکه به درستی درباییم کرونا و جنگ قیمت چه بر سر نفت آوردند خوب است مقایسه‌ای با یک سال پیش داشته باشیم. درست یک سال پیش، در آوریل ۲۰۱۹ نفت شیرین مرغوب برنت در دریای شمال ۷۱ دلار بود. در دوشنبه گذشته این نفت با قیمت ۲۷ دلار معامله شد و یا همین نفت غرب تگزاس که نفتی نیمه‌سنگین و میانه به حساب می‌آید، در آوریل سال گذشته هر بشکه بالای ۶۵ دلار بود و یا سید نفتی اویلک که در دوشنبه پیش کمی بیشتر از ۱۷ دلار معامله شد، درست یک سال قبل بالغ بر ۷۴ دلار در هر بشکه بود. ادامه همین جریان بود که روز تاریخی دوشنبه ۲۰ آوریل را فریاد نفت WTI را به منفی ۴۰ دلار در بشکه رساند. این نفت برای روز سه‌شنبه تا لحظات تنظیم این گزارش با ۱۰۵ درصد صعود بر روی یک دلار و ۹۶ سنت قرار گرفته است.

سکته موقت چاه‌های شیل

کرونا و بیروسی است که جهان را سرد، تاریک و خاموش می‌خواهد. تا آنجا که پزشکان و اهالی بهداشت و درمان می‌گویند تا زمان پیدا شدن واکسن و دارو، این ویروس همراه بشریت امروز خواهد بود و باز تا جایی که همین متخصصان ابراز می‌دارند تولید هرگونه واکسن و دارو هم به دو سال زمان نیاز دارد. پس تا دوسال دیگر جهان با ویروس کرونا دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. حال سوال اساسی این است که این ویروس و جنگ قیمت که توانستند این بالاها را بر سر نفت بیازوند با عرضه و تقاضای آینده نفت چه می‌کنند؟ چنانکه گفته شد تا پیش از شیوع کرونا در جهان روزانه ۱۰۰ میلیون بشکه نفت مصرف می‌شد. پس از گسترش این پاندمیک، مصرف و در نتیجه تقاضای نفت ۳۰ درصد کاهش یافت و به ۷۰ میلیون بشکه در روز رسید. نفتی که به طور روزانه در بازار نفت خریداری می‌شود یا وارد پالایشگاه‌های جهان شده و به فرآورده تبدیل می‌شود و برای مصرف در اختیار مردم قرار می‌گیرد یا در انبارهای استراتژیک نفت ذخیره می‌شود. در مورد انبارهای استراتژیک جهان، آمار دقیق و درستی در دست نیست، اما تا آنجا که معلوم است در کل جهان یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره‌سازی استراتژیک وجود دارد. انبارهای استراتژیک، جایگاه‌هایی هستند که نفت خام را برای مدت طولانی و البته با هزینه‌های بسیار در خود نگهداری می‌کنند. هدف از این کار که معمولاً کشورهای پرمصرف مانند آمریکا یا چین انجام می‌دهند، اطمینان از آینده ذخیره نفت و پشتیبانی از نوسانات احتمالی خواهد شد.

حمله خفاش‌ها به نفت!

همه چیز به یک سوپ خفاش و یا به ماهیت شبگردی و خرابه‌جویی بوف کور برمی‌گردد. روزی که گفته شد بانویی در شهر ووهان چین سوپی از پرند شگردد خفاش خورد و از این طریق ویروس نپهفته در خفاش به نام کووید-۱۹ یا کرونا به او انتقال یافت. این اتفاق شاید در ماه دسامبر یا آذر افتاده بود. اما تا خودش را نشان دهد، به اواسط ژانویه یا بهمن ماه کشید شد. در این زمان جهان فهمید که با پدیده‌ای متفاوت از دیگر پدیده‌های تاریخ مواجه است.

تاثیرات این مهاجم اعجاب‌آور، همزمان به سلامت انسان و به اقتصاد خرد و کلان بود. در چین در همان روزهای نخست، علاوه بر تلفات انسانی، تقاضای نفت در ماه ژانویه

چرا روسیه عقب‌نشینی نکرد؟

زمان برنامه‌ریزی شده و مقرر برای تشکیل جلسه اوپک پلاس ۶ مارس یا ۱۶ اسفندماه گذشته بود. در این زمان جلسه ۱۷۸ اوپک هم برگزار می‌شد. در اسفندماه در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر کووید-۱۹ شایع شده بود، اما باز هم تاثیرات اقتصادی خود را به وضوح عیان نساخته بود. شاید به همین دلیل بود که اعضای اوپک پلاس نتوانستند به توافق دست یابند. پیشنهاد عربستان سعودی در جلسه هشتم اوپک پلاس کاهش ۱/۵ میلیون بشکه از تولید نفت اعضا در طول سال ۲۰۲۰ بود. روسیه اما با این پیشنهاد مخالفت کرد. استدلال درست‌روس‌ها این بود که هرگونه عقب‌نشینی و کاهش تولید نفت توسط اعضای اوپک پلاس فقط جا را برای تهاجم نفت شیل به بازارها باز می‌کند. تجربه سال‌های اخیر هم همین را نشان می‌داد. هرگاه که اعضای اوپک پلاس برای مدیریت بازار و کنترل قیمت نفت، اقدام به کاهش تولید خود می‌کردند تا دوباره قیمت‌ها به سطحی متعادل بازگردد، نفت شیل آمریکا حرکت تهاجمی خود را برای تسخیر بازارهای اوپک آغاز می‌کرد و با تزریق بیش از حد نفت به بازار، عملاً اقدامات کنترلی اوپک را خنثی می‌کرد. اقدامی که از دسامبر ۲۰۱۶ که سازمان جدید اوپک پلاس با همراهی ۱۰ کشور خارج از اعضای سنتی اوپک برای کنترل گسترده‌تر بازار تشکیل یافته بود، بارها تکرار شد. این وضعیت روسیه را در موضعی قرار داده بود تا با کاهش یک‌باره نفت تا پایان سال ۲۰۲۰ همراه نباشد. آنها در مقابل، پیشنهاد دیگری ارائه دادند. پیشنهاد روس‌ها این بود که کاهش ۱/۵ میلیون بشکه‌ای نفت برای سه ماه توافق شود تا پس از آن در نشست دوباره، وضعیت بازار بررسی و تصمیم مناسب با توجه به شرایط آن موقع اتخاذ شود. پیشنهاد روس‌ها معقول بوده زیرا هم خواسته سعودی‌ها را دربر داشت و هم در یک بازه زمانی قابل بررسی مجدد و تصمیم‌گیری مقتضی بود. کاری که با ماهیت

تصمیم‌گیری‌ها اصلاً کوتاه‌مدت اوپک هم سازگاری داشت. تصمیمات اوپک در طول دهه‌های عمر خود برای مدیریت بازار همواره کوتاه‌مدت بود تا در بازه‌های زمانی کوتاه اثرات تصمیم خود را در بازار ببیند و آنگاه با توجه به شرایط، تصمیم تازه‌ای اتخاذ کند. اینکه عربستان می‌خواست برای مدت حدود یک سال تصمیمی به مورد اجرا گذاشته شود، برای اوپک تا زگی داشت، اما گویا عربستان هم دیگر از تاخت‌وتاز تمام‌شدنی نفت شیل به ستوه آمده بود. لایند با خود گفتند مرگ یک بار و شیون هم یک بار. بالاخره زمانی می‌رسد که تولیدکنندگان سنتی نفت با نفت شیل مستقیماً دست‌وپنجه‌نرم کنند. شاید هم الان زمانش رسیده باشد. همین‌جا بود که عبدالعزیز بن سلمان، وزیر نفت سعودی اولتیماتوم خود را به روس‌ها صادر کرد. اولتیماتوم این بود: «یا با کاهش روزانه ۱/۵ میلیون بشکه توافق می‌کنید یا عربستان از اوپک پلاس خارج می‌شود.» جلسه هشتم اوپک پلاس در وین طولانی‌نشده و روز ویز با چهره‌هایی درهم ریخته در جلسه حضور داشتند. آنها حتی یک لیخند هم به هم نزدند. وقتی الکساندر نواک از خروجی سالن خارج می‌شد به خبرنگاران گفت: «از اول ماه آوریل هرکس آزاد است هر قدر می‌خواهد نفت تولید کند.» و اول آوریل روزی بود که تاریخ آخرین توافق اعضای اوپک پلاس برای سهمیه‌بندی و کاهش تولید به پایان می‌رسید.

کسری بودجه در انتظار کشورهای خلیج فارس

به نفت ۶۱ دلاری، عراق به نفت ۵۶ دلاری، لیبی به نفت ۵۸ دلاری، روسیه به نفت ۴۲ دلاری (اصلاحیه جدید به نفت ۲۰ دلاری) و در نهایت قطر نیز به نفت بشکه‌ای ۴۵ دلار نیاز دارد. صندوق بین‌المللی پول رقم وابستگی بودجه ایران به نفت برای تعادل در کسری را نیز ۱۹۵ دلار ذکر کرده، باین حال در بودجه سال ۱۳۹۹ قیمت نفت هر بشکه‌ای ۵۵ دلار در نظر گرفته شده است. از این منظر به نظر می‌رسد اغلب کشورهای نفتی با کاهش درآمد‌های نفتی، کسری قابل توجهی در بودجه سالانه تجربه خواهند کرد؛ همان مشکلی که بودجه کشورمان در سال‌های گذشته آن را تجربه کرد.

برای اینکه تصور دقیق‌تری از آثار کاهش بی‌سابقه قیمت نفت بر تولید نفت و اقتصاد کشورهای تولیدکننده آن داشته باشیم، کافی است این ارقام را با هم مرور کنیم. طبق آمارهای مراکز پژوهشی، تولید یک بشکه نفت در کشورهای مختلف هزینه‌های متفاوتی دارد، به‌عنوان مثال تولید هر بشکه نفت برای تولیدکنندگان آمریکایی بین ۳۰ تا ۳۶ دلار هزینه دارد، در نتیجه قیمتی پایین‌تر از آن، برای آمریکایی‌ها به صرفه نیست و زیان محسوب می‌شود. اما هزینه تولید یک بشکه نفت برای عربستان سعودی ۱۰ دلار، برای روسیه ۱۳ دلار و برای ایران نیز ۱۲ دلار است و برای کانادا به ۴۰ دلار می‌رسد، درحالی‌که برای کویت تنها ۹ یا ۹ دلار است. هزینه تولید هر بشکه نفت برای عراق هم ۱۰ دلار و برای امارات متحده نیز ۱۱ دلار است. با این مقدمه کوتاه می‌توانیم تصور کنیم که کاهش قیمت نفت تا چه حد و میزان می‌تواند بر اقتصاد کشورهای تولیدکننده اثر منفی بگذارد. به عبارت دیگر تاب‌آوری کشورها در مقابل نوسانات بازار، علاوه بر دیگر شرایط، به هزینه تمام‌شده آنان نیز ارتباط مستقیم دارد. اما آثار کاهش قیمت نفت فقط به بخش‌های عرضه و تقاضا محدود نمی‌شود، چراکه این موضوع ترکش‌هایی از جنس کسری بودجه و کاهش تولید ناخالص داخلی را برای کشورهای نفتی در پی خواهد داشت. در این خصوص طبق داده‌ای آماری که صندوق بین‌المللی پول منتشر کرده، در سال ۲۰۲۰ در بین کشورهای صادرکننده نفت، الجزایر برای تراز و متعادل کردن بودجه‌اش به نفت بشکه‌ای ۱۵۷ دلار، بحرین به نفت بشکه‌ای ۹۵ دلاری، عمان به نفت ۸۸ دلاری، عربستان سعودی به نفت ۷۶ دلاری (در سال ۲۰۱۹ حدود ۸۳ دلار بوده)، امارات به نفت ۶۹ دلاری، کویت

شرکت‌های آمریکایی ورشکست می‌شوند؛ شیل می‌ماند

قبلی گفته شد که تولید هر بشکه نفت برای تولیدکنندگان آمریکایی بین ۳۰ تا ۳۶ دلار هزینه دارد، بر این اساس اگر قیمت نفت زیر ۳۶ دلار باشد دیگر برای آنها به صرفه و اقتصادی نیست و اگر قیمت‌های نزولی زیاد باشند و تداوم یابند، موجب تعطیلی چاه‌های نفت آنان می‌شوند، همان اتفاقی که هم‌کنون در حال افتادن است. در خصوص شرکت‌های آمریکایی و شیل نیز داتیل برکین، نویسنده و تحلیلگر جهانی و معتبر نفت پاسخ جالبی دارد؛ او که نویسنده پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا به نام تاریخ جهانی نفت است، در پاسخ به این سوال که کاهش قیمت نفت با شرکت‌های نفتی این کشور چه خواهد کرد، گفت: «شرکت‌ها ورشکست می‌شوند، اما نفت شیل می‌ماند.»

حالا شایسته است نگاهی به وضعیت امروز و آینده اقتصاد و شرکت‌های نفتی آمریکا بیندازیم. آنچه کرونا با اقتصاد آمریکا کرد در یک کلام و بیان ساده و آن هم تا اینجا بیکاری بیش از ۲۰ میلیون نفر از شهروندان این کشور است؛ اتفاقی ثبت‌نشده در طول تاریخ مدرن این کشور. گرچه آمار مستندی از میزان بیکاری در صنعت نفت آمریکا هنوز منتشر نشده، اما لازم به ذکر است در صنعت نفت این کشور طی سال ۲۰۱۹ در مجموع ۱/۵ میلیون نفر مشغول فعالیت بوده‌اند که ۹۴۵ هزار نفر از آنان در جایگاه‌های عرضه سوخت، ۴۷۱ هزار نفر از آنان در بخش استخراج نفت و گاز و شرکت‌های پشتیبانی و ۶۹ هزار نفر نیز در پالایشگاه‌های نفت شاغل بوده‌اند. اما اینکه کاهش قیمت نفت با شرکت‌های نفتی این کشور چه خواهد کرد، در مباحث